

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته تکنولوژی آموزشی

عنوان پایان نامه:

**بررسی رابطه بین سبک های شناختی با خودکارآمدی رایانه‌ای در
دانشجویان کارشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه
علامه طباطبائی**

استاد راهنما:

دکتر داریوش نوروزی

استاد مشاور:

دکتر محمد حسن امیر تیموری

پژوهشگر:

قدرت اله خلیفه

سال تحصیلی ۸۸ - ۱۳۸۷

با تشکر و قدردانی از استاد عزیزم:

جناب آقای دکتر نوروزی که با نکته سنجی های دقیق و پیگیرانه در مسیر اجرای این پژوهش مرا یاری نمودند.

تشکر و قدردانی از استاد ارجمندم:

جناب آقای دکتر امیر تیموری که با رهنمودها و نظرات ارزشمند خود مرا در انجام این پژوهش هدایت و تشویق نمودند.

تشکر و قدردانی از استاد محترم:

خانم دکتر رحمانی که با دقت نظر داوری این پژوهش را عهده دار شدند .

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین سبک های شناختی با خودکارآمدی رایانه ای در دانشجویان کارشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۷ می باشد.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان کارشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی تشکیل دادند. برای نمونه گیری در این پژوهش از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد. تعداد حجم نمونه در این پژوهش ابتدا ۵۰۰ نفر بود که بعد از اجرای پژوهش و جمع آوری اطلاعات به دلیل حذف پرسشنامه های ناقص، تعداد حجم نمونه به ۴۶۷ نفر کاهش یافت. ابزار اندازه گیری در این پژوهش شامل پرسشنامه سبک های یادگیری کلب و پرسشنامه خودکارآمدی رایانه ای کامپیو و هیگنز بود. داده های این پژوهش با استفاده از روشهای آمار توصیفی و استنباطی (میانگین، انحراف معیار و انحراف استاندارد، تحلیل واریانس یکطرفه، آزمون t تست مستقل، ضریب همبستگی دو رشته ای نقطه ای و خی دو) تحلیل شد و نتایج زیر بدست آمد:

۱- بین نمرات خودکارآمدی رایانه ای افراد با سبک های شناختی مختلف تفاوت معنی داری در سطح (۰/۰۰۰۱) وجود دارد.

۱.۱- دانشجویان دارای سبک شناختی همگرا دارای میزان خودکارآمدی رایانه ای بیشتری نسبت به دانشجویان دارای سبک شناختی واگرا در سطح (۰/۰۰۰۱) دارند.

۱.۲- دانشجویان دارای سبک شناختی جذب کننده دارای میزان خودکارآمدی رایانه ای بیشتری نسبت به دانشجویان دارای سبک شناختی انطباق یابنده در سطح (۰/۰۰۰۱) دارند.

۲- بین سبک های شناختی دختران و پسران تفاوت معناداری در سطح (۰/۰۱) وجود دارد.

۳- بین جنسیت و خودکارآمدی رایانه ای رابطه مثبت و معناداری در سطح (۰/۰۰۰۱) وجود دارد.

کلید واژه ها: سبک های شناختی - خودکارآمدی رایانه - خودکارآمدی - یادگیری و آموزش

فهرست مطالب

۱	فصل اول
۱	کلیات پژوهش
۲	مقدمه
۴	بیان مسئله:
۷	اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۰	اهداف تحقیق
۱۰	هدف کلی
۱۰	اهداف جزئی
۱۰	فرضیه های تحقیق
۱۰	فرضیه اصلی
۱۱	فرضیه های فرعی
۱۱	تعریف واژگان و مفاهیم اختصاصی پژوهش
۱۱	الف) تعاریف نظری
۱۲	ب) تعاریف عملیاتی
۱۴	فصل دوم
۱۴	ادبیات و پیشینه پژوهش
۱۵	مقدمه
۱۵	پیشینه ی نظری
۱۵	سبک شناختی
۱۷	انواع سبک های یادگیری
۱۸	ویژگی های اساسی سبک های شناختی
۱۸	۱- صوری - مفهومی :
۱۹	۲- ثبات:
۱۹	۳- فراگیر بودن
۱۹	۴- قطبی بودن :
۲۰	ویژگیهای دیگر سبکهای شناختی
۲۱	انواع سبکهای شناختی
۲۳	سبک های شناختی واگرا، همگرا، جذب کننده و انطباق یابنده
۲۳	الگوی چهار مرحله ای فرایند یادگیری

۲۶	شیوه های یادگیری.....
۲۶	۱. تجربه عینی (CE).....
۲۶	۲. مشاهده تاملی (RO).....
۲۷	۳. مفهوم سازی انتزاعی (AC).....
۲۷	۴. آزمایشگری فعال (AE).....
۲۸	۱. سبک شناختی واگرا.....
۲۹	۲. سبک شناختی همگرا.....
۲۹	۳. سبک شناختی جذب کننده.....
۳۰	۴. سبک شناختی انطباق یابنده.....
۳۲	کاربرد آموزشی سبک های یادگیری.....
۳۴	اهمیت حضور رایانه در آموزش.....
۳۶	تدریس ویادگیری با رایانه.....
۳۷	اثرات مثبت رایانه در آموزش.....
۳۷	نقش رایانه در آموزش.....
۳۸	انواع برنامه های ارائه شده مبتنی بر رایانه.....
۳۹	رایانه چگونه می تواند به افراد در یادگیری کمک کند؟.....
۴۱	خود کار آمدی.....
۴۱	نظریه شناختی - اجتماعی بندورا.....
۴۳	تعریف خود کار آمدی.....
۴۵	انواع خود کار آمدی.....
۴۶	مؤلفه های خود کار آمدی.....
۴۷	منابع خود کار آمدی.....
۴۹	تقویت خود کار آمدی.....
۵۱	ویژگی افراد با خود کار آمدی بالا و پایین.....
۵۳	خود کار آمدی رایانه ای.....
۵۴	پیشینه ی پژوهشی.....
۵۵	تحقیقات داخلی.....
۵۹	تحقیقات خارجی.....
۶۶	جمع بندی تحقیقات انجام شده.....
۶۸	فصل سوم.....
۶۸	روش شناسی.....
۶۹	مقدمه.....

۶۹	طرح تحقیق.....
۷۰	جامعه آماری.....
۷۰	نمونه و روش نمونه گیری.....
۷۱	روش جمع آوری اطلاعات و ابزار پژوهش.....
۷۵	روایی.....
۷۶	پایایی.....
۷۷	روش اجرای پژوهش.....
۷۷	روش های تجزیه و تحلیل داده ها.....
۷۸	فصل چهارم.....
۷۸	تجزیه و تحلیل داده ها.....
۷۹	مقدمه.....
۷۹	توصیف آماری داده ها.....
۸۳	استنباط آماری.....
۸۹	فصل پنجم.....
۸۹	بحث و نتیجه گیری.....
۹۰	مقدمه.....
۹۱	بحث و نتیجه گیری.....
۹۲	فرضیه اصلی پژوهش.....
۹۵	فرضیه فرعی اول.....
۹۷	فرضیه فرعی دوم.....
۹۹	فرضیه فرعی سوم.....
۱۰۱	فرضیه فرعی چهارم.....
۱۰۳	محدودیت ها.....
۱۰۳	پیشنهادها.....
۱۰۳	پیشنادهای کاربردی.....
۱۰۴	پیشنهاداتی جهت پژوهش های آتی.....
۱۰۶	منابع فارسی:.....
۱۱۲	منابع انگلیسی.....
۱۱۸	پیوست ها.....
۱۱۹	پیوست شماره ۱.....
۱۲۲	پیوست شماره ۲.....

فهرست شکل ها

- شکل (۲-۱) الگوی چهار مرحله ای فرایند یادگیری ۲۴
- شکل (۲-۲) تعامل سه جانبه رفتار، محیط، و شخص ۴۳

فهرست جداول

- (جدول ۲-۱) سبک ها و شیوه های یادگیری کلب و ویژگیهای آنها ۳۱
- جدول ۴-۱: توزیع فراوانی سبک های یادگیری افراد ۷۹
- جدول ۴-۲: توزیع فراوانی افراد بر حسب جنسیت ۸۰
- جدول ۴-۳: توزیع فراوانی افراد بر حسب رشته تحصیلی ۸۱
- جدول ۴-۴: توصیف آماری خودکارآمدی رایانه ای بر حسب سبک های شناختی ۸۲
- جدول ۴-۵: نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه نمرات خودکارآمدی رایانه ای افراد بر حسب سبکهای شناختی ۸۴
- جدول ۴-۶: نتایج آزمون تعقیبی شفه جهت سنجش تفاوت دو به دو میانگین ها ۸۴
- جدول ۴-۷: آزمون t مستقل بین نمرات خودکارآمدی رایانه ای افراد با سبک شناختی همگرا و واگرا ۸۵
- جدول ۴-۸: آزمون t مستقل بین نمرات خودکارآمدی رایانه ای افراد با سبکهای شناختی انطباق یابنده و جذب کننده ۸۶
- جدول ۴-۹: نتایج آزمون خی دو بین سبک های شناختی دانشجویان دختر و پسر ۸۷
- جدول ۴-۱۰: نتایج آزمون همبستگی دو رشته ای نقطه ای بین جنسیت و خودکارآمدی رایانه ای ۸۷

فهرست نمودارها

- نمودار ۴-۱: فراوانی سبک های یادگیری افراد ۸۰
- نمودار ۴-۲: توزیع فراوانی افراد بر حسب جنسیت ۸۱
- نمودار ۴-۳: توزیع فراوانی افراد بر حسب رشته تحصیلی ۸۲

فصل اول

کلیات پژوهش

مقدمه

در دهه های اخیر یکی از متغیرهایی که به عنوان عامل تسهیل یادگیری شناخته شده است، سبکهای شناختی^۱ است که از سال ۱۹۷۰ به بعد مطالعات گسترده ای در این زمینه صورت گرفته است. افراد در یک موقعیت یکسان، متفاوت یاد می گیرند شاید مهمترین دلیل آن سبکهای متفاوت یادگیری آنان باشد. این سبکها تعیین می کنند که در برخورد با یک موقعیت، فرد چه مدت و چه میزان توجه کند. آموزش مطلوب، مستلزم استفاده از یک رشته تدابیر و راهبردهای آموزشی متناسب با سبکهای شناختی یاد گیرنده است. یادگیری مؤثر به میزان قابل توجهی، تحت تأثیر تطابق و توافق نوع مواد آموزشی و روش ادامه آن با نوع سبک یادگیری یادگیرنده قرار دارد (آبینیکی، ۱۳۸۵).

اصطلاح سبک شناختی بر روشهای خاصی دلالت دارد که یک فرد در درک و مفهوم سازی محیط به کار می برد. سبک شناختی فرایندی است که از طریق آن افراد اطلاعات را از محیط گرفته، تفسیر کرده و برای ابراز واکنش به محیط از آن استفاده می کنند و در واقع رابط ذهن او با دنیای خارج می باشد (سریواستاوا، ۱۹۹۷؛ ترجمه نوروزی و صالحی، ۱۳۸۲). بطور کلی سبک شناختی یک شخص شیوه خود کار افراد در حساسیت و واکنش نشان دادن به اطلاعات، محرکات و موقعیتهاست. افراد با آگاهی از نوع سبک شناختی خود می توانند راهبردهایی را بیاموزند تا به کمک آنها از حداکثر نقاط قوت و مزیت سبک خود بهره گرفته و نقاط ضعف و محدودیتها را به حداقل برسانند (رایدینگ، ۱۹۹۷؛ به نقل از اسدزاده، ۱۳۸۴).

^۱ - Cognitive style

از خصوصیات مهم شخصیتی و تفاوت‌های فردی افراد که در واکنش نشان دادن به رخدادها و فشارهای روانی مؤثر است، احساس خودکارآمدی^۱ و سبک‌های شناختی فرد است (شولتز، ۱۹۹۸؛ ترجمه محمدی، ۱۳۸۳).

همانطور که گفته شد، یکی از عوامل شخصی که در کنترل و سازماندهی رفتار فرد مؤثر است خودکارآمدی است. خودکارآمدی "به باورهای افراد درباره توانایی کنترل زندگی به دست خودشان گفته می‌شود" (فتسکو و مککلور^۲، ۲۰۰۵؛ نقل از سیف، ۱۳۸۶). خودکارآمدی بر رفتار فرد بسیار تأثیر گذار است. به عنوان مثال، دانش آموز دارای خودکارآمدی سطح پایین ممکن است حتی برای یک امتحان خودش را آماده نکند، زیرا فکر می‌کند که هر اندازه زحمت بکشد فایده‌ای نخواهد داشت. در مقابل، شخص برخوردار از خودکارآمدی سطح بالا در انجام کارها امیدوارتر و موفق‌تر است (سانتروک^۳، ۲۰۰۴؛ نقل از سیف، ۱۳۸۶).

اگر دانش آموزان و دانشجویان باور داشته باشند که با تلاش قابل قبول می‌توانند یاد بگیرند، این دانش آموزان تلاش بیشتر کرده، در مواجهه با مشکلات پافشاری می‌کنند، توجه خود را بر مشکل متمرکز کرده و احساس آرامش و خوش بینی بیشتری می‌کنند و از راهبردهای مؤثرتری بهره می‌گیرند. به عبارت دیگر خودکارآمدی، ابزارهای شناختی و انگیزشی را بسیج می‌کند که این نکته نقش مهمی در بکارگیری شیوه‌های مقابله با فشار روانی و رخداد‌های گوناگون در افراد خواهد داشت (وول فولک^۴، ۲۰۰۴؛ به نقل از آبنیکی، ۱۳۸۵).

حال با توجه به عصر حاضر که عنصر تغییر یکی از بارزترین ویژگی‌های لاینفک آن محسوب می‌گردد و ظهور فناوریهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی که بر سرعت و شدت آن افزوده است، و

^۱ - self - efficacy

^۲ - Festco & McClure

^۳ - Santrock

^۴ - Woolfolk

با توجه به مسائلی که ذکر آن رفت، اهمیت پرداختن به فرایندهای یاددهی و یادگیری و عوامل مرتبط با آنها به منظور فراهم آوردن آموزش موثر و ماندگار افزایش یافته است.

بیان مسئله:

سبک های یادگیری^۱ باورها، اعتقادات، رجحان ها و رفتارهایی است که افراد به کار می برند تا در شرایط یادگیری هر چه بیشتر بیاموزند. اما تمام سبک ها الزاماً کمک کننده نخواهند بود و حتی ممکن است گاهی اوقات در برخورد موثر با یک موقعیت اخلاص ایجاد کنند (یارمحمدی و اصل، ۱۳۷۹).

بدون شک همه پیشرفت های شگفت انگیز دنیای کنونی زاده یادگیری انسان است، محیط و آنچه که در آن است پیوسته در معرض تغییر قرار دارد و انسان نیز برای هماهنگ شدن با آن تغییرات و یا برای مقابله و مبارزه با آنها، برای درک چگونگی تغییرات و ارائه راه حل های مناسب، برای سازگاری و برای ادامه زندگی، پیوسته در کوشش و تلاش برای یادگیری و افزودن بر دانش خویش است. بنابراین رشد بی نظیر علمی و فرهنگی انسان و تغییرات سریع اجتماعی که در نتیجه این پیشرفت حاصل می شود نیاز انسان به یادگیری را روز به روز افزون تر و مشهودتر می سازد. در همین رابطه همانطور که ذکر آن رفت، یکی از موضوع هایی که در دهه های اخیر در پژوهش های آموزشی مورد توجه خاصی قرار گرفته، این است که دانش آموزان و دانشجویان با بهره گیری از چه سبک هایی به یادگیری می پردازند. در این زمینه سبک هایی چون سبک واگرا، همگرا، جذب کننده و انطباق یابنده توسط کلب^۲ (۱۹۸۵) شناسایی و مورد تحقیق قرار گرفت. بر اساس این سبک ها، افراد متناسب با تفاوت های فردی خود در یادگیری از سبک های متفاوتی

^۱ - Learning Styles

^۲ - Kolb

استفاده می کنند. به طور مثال یادگیرندگان دارای سبک شناختی واگرا، در دیدن موقعیت های عینی از دیدگاههای مختلف بیشترین توانایی را دارند و یا یادگیرندگان سبک شناختی همگرا، بیشترین توانایی را در کاربرد عملی اندیشه ها و نظریه ها دارند. ویتکین^۱ (۱۹۷۶) معتقد است که این تفاوت ها نقش مهمی در موقعیت های آموزشی و شغلی دارند.

علاوه بر موارد بالا، توانایی بالقوه افراد نیز برای یادگیری متفاوت است. انسان ها در موقعیت یکسان، متفاوت یاد می گیرند که شاید دلیل آن سبک های متفاوت یادگیری آنان باشد، این سبک ها تعیین می کنند که در برخورد با یک موقعیت، فرد چه مدت، به چه چیز و به چه میزانی توجه کند.

از طرف دیگر، در دنیای کنونی استفاده از رایانه ها و گرایش به آنها در مدارس و منازل رسوخ کرده و تغییرات بسیاری را با خود به همراه آورده است. تردیدی نیست که در حال حاضر دانش آموزان و دانشجویان در جامعه ای پرورش می یابند که بعد فناوری آن با جامعه ای که والدین و اجداد آنها در آن پرورش یافته اند، بسیار متفاوت است (ایرل^۲، ۲۰۰۲، به نقل از بیابانگرد، ۱۳۸۴). پیشرفت هایی که اخیراً در زمینه رایانه صورت گرفته است، دریچه ای نوین به روی یادگیرندگان گشوده تا بتوانند با استفاده از این فناوری، شیوه های یادگیری خود را بهبود بخشند (مک کازلین^۳ و دیگران، ۲۰۰۳، به نقل از رضوی، ۱۳۸۶). اما همانطور که ذکر شد، دانش آموزان و دانشجویان با سبک های یادگیری مختلف در هنگام برخورد با یک موقعیت متفاوت عمل می کنند. حال این سوال مطرح می شود که دانش آموزان یا دانشجویان با سبک های یادگیری مختلف در هنگام کار

^۱ - Witkin

^۲ - Earle

^۳ - McCaslin

با رایانه چه اندازه به توانایی های خود اطمینان دارند و یا به عبارت دیگر خودکارآمدی آنان به چه میزان است؟

خودکارآمدی یکی از ابعاد مهم خود و مهم ترین محور نظریه بندورا^۱ است. این مفهوم به قضاوت ها و داوری های افراد درباره ی توانایی های خود در انجام کار یا سازگاری با موقعیتی خاص مرتبط است. بدیهی است که تفکر، احساسات و رفتار انسان در موقعیت هایی که به توانایی خود احساس اطمینان می کند، متفاوت از رفتار وی در موقعیت هایی است که در آن احساس عدم توانایی و یا فقدان صلاحیت میکند (بندورا، ۱۹۹۷).

از طرفی اطمینان از قابلیت های خود نقش مهمی در عدم اضطراب افراد ایفا می کند. مطالعات نشان می دهد، خودکارآمدی اثر قدرتمندی بر روی اضطراب دارد، به این مفهوم خودکارآمدی یکی از عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی و چگونگی مقابله با تنش ها و استرس های تحصیلی محسوب می شود (قمی، ۱۳۸۷).

حال با توجه به اینکه در زمینه سبک های شناختی^۲ و یادگیری پژوهش های زیادی صورت گرفته ولی در مورد سبک های شناختی و رابطه آن با مولفه های مهم یادگیری مانند خودکارآمدی رایانه ای^۳ کمتر کار شده و خلایق احساس می شود، لذا پژوهش حاضر قصد دارد به این سوال پاسخ دهد: که آیا دانشجویان دارای سبک های شناختی مختلف (همگرا، واگرا، جذب کننده، و انطباق یابنده) خودکارآمدی رایانه ای متفاوتی دارند؟

^۱ - Bandura

^۲ - Cognitive Styles

^۳ - Computer self-efficacy

اهمیت و ضرورت پژوهش

عصر انفجار اطلاعات، پیشرفت علم و تکنولوژی و گسترش دامنه علوم مختلف، ضرورت کسب معلومات بادوام تر در زمان کوتاه را اجتناب ناپذیر می سازد. بنابراین یکی از وظایف متخصصین تعلیم و تربیت، شناسایی انواع سبک های شناختی دانش آموزان و دانشجویان جهت یادگیری سریع تر و استفاده بهینه یادگیرندگان از زمان محدود آموزشی می باشد، که البته این مهم در طول تاریخ تعلیم و تربیت همواره مورد توجه متخصصین بوده است. از اواخر دهه های سال ۱۹۷۰ که بحث در مورد سبک های یادگیری رونق پیدا کرد، بسیاری از مریبان بر این باور بودند که سبک های یادگیری بر خود یادگیری تاثیر می گذارند. اگرچه سبک های یادگیری به طریق مختلف تعریف می شوند ولی عمدتاً بر این نکته تاکید می ورزند که سبکهای یادگیری شامل باورها، اعتقادات، رجحانها و رفتارهایی است که افراد بکار میبرند تا در یک موقعیت معین به یادگیری خود کمک کنند (سیف، ۱۳۸۶)، بنابراین دانش آموزان شیوه های برخورد مختلفی با مسائل و موقعیتها دارند. بعضی از دانش آموزان ممکن است نیاز به کمک داشته باشند تا یاد بگیرند که مشخصه های مهم را جدا کنند و از جزئیات نامربوط حذف کنند. آنها ممکن است در موقعیت های کمتر سازمان یافته سردرگم بشوند و به توضیحات قدم به قدم و واضح نیاز داشته باشند، برخی دیگر دانش آموزان ممکن است در امور سازمان دهی توانایی فوق العاده ای داشته باشند اما نسبت به احساسات دیگران، حساسیت کمتری داشته باشند و در موقعیتهای تحصیلی بتوانند موثر واقع شوند.

یکی از موضوعاتی که اکنون در کشور ما رونق بسیاری پیدا کرده و منجر به فرصتهای جدید در یادگیری و تغییراتی در کلاس درس و آموزش شده است، رایانه ها هستند. بنابراین از آنجا که دانشجویان با سبک های مختلف یادگیری در هنگام تحصیل، به کار با رایانه ها و گاهی اوقات

آموزش و یادگیری از طریق رایانه ها خواهند پرداخت، پژوهش درباره این موضوع بسیار اهمیت پیدا میکند.

همانطور که ذکر شد در آموزش و تعلیم و تربیت امروزی رایانه ها با توجه به فرصتها و تغییراتی که در کلاس درس و آموزش و یادگیری ایجاد کرده اند، از اهمیت بسیاری برخوردار هستند (بیابانگرد، ۱۳۸۴). با حضور رایانه های شخصی و فناوری آنها در محیطهای علمی و پژوهشی و حتی منازل فضای کار و پژوهش دگرگون شده است (لواسانی، ۱۳۸۲). در همین حال دانش فنی رایانه با شتاب چشمگیری متحول میشود و رایانه در همه امور زندگی راه میابد. اما علی رغم این تحول و دگرگونی دانشجویان، معلمان و حتی متخصصانی وجود دارند که بنابر دلایلی رایانه و قابلیت های آن را طرد میکنند. بسیاری از آنها خود را همگام با سرعت پیشرونده فناوری روز نمیدانند و از کسب مهارتهای لازم به دلیل اضطراب و باورهای منفی و غیر منطقی سرباز میزنند (اکبری بورنگ، ۱۳۸۵). این در حالی است که استفاده از رایانه های شخصی در فرایند آموزش و یادگیری مزایای متعددی دارد. دانش آموز یا دانشجو با یاری نرم افزارها و برنامه ها در حوزه یک درس تخصصی به صورت مستقل و فعال کار میکند، درباره کلیه عملیات و فعالیتهای علمی بازخورد دریافت میکند و خطاهای وی اصلاح میشود. برنامه ها معمولاً بدون خطا، خستگی ناپذیر و با دقت هستند، همینطور تکرار پذیرند، پس فرد تا یادگیری کامل آنها را تکرار میکند.

از دیگر امکانات رایانه ها شبیه سازی است. شبیه سازی موقعیتهای مجازی را پدید می آورد که بیش از هر وضعیت دیگر به واقعیت شی یا صحنه واقعه نزدیک است. اغلب در فرایندهای رسمی آموزش به لحاظ عدم امکان آموزش واقعی، این موقعیتهای کنار گذاشته میشود. اما در اینجا موقعیتهای مجازی ساخته میشوند مانند آموزش خلبانی که فرد در فضاهای متنوع مجازی حرکت میکند و عملیات مختلفی را با هواپیما انجام میدهد.

از این رو پرداختن به عوامل مرتبط با رایانه به منظور افزایش بهره‌گیری از آن خصوصاً در حوزه یاددهی و یادگیری ضروری به نظر می‌رسد.

کامپیو و هیگنز^۱ (۱۹۹۵) خودکارآمدی رایانه را قضاوت و داوری می‌دانند که فرد درباره‌ی توانایی خود در کار با رایانه دارد. با توجه به این تعریف می‌توان خودکارآمدی رایانه را احساس اطمینان و اعتمادی دانست که فرد نسبت به توانایی خود در کار با رایانه تجربه می‌کند. زمانی که افراد از توانایی خود در یک موقعیت اطمینان دارند مسلماً در آن موقعیت بهتر و موثرتر عمل خواهند کرد.

علی‌رغم تحقیقات گوناگون در زمینه اضطراب و خودکارآمدی رایانه و عمل مربوط به آن تا کنون جواب قطعی در دست نیست. برخی از پژوهش‌ها تجربه کار با رایانه را علت اضطراب رایانه عنوان کرده‌اند (لواسانی، ۱۳۸۲). در حالیکه پژوهش‌های دیگری نیز وجود دارند که خلاف این را نشان داده‌اند.

بنابراین برای اینکه از فناوری‌ها به عنوان ابزاری انعطاف‌پذیر، غنی و توانمندکننده استفاده کنیم و با شتاب بیشتری در مسیر بالندگی و توسعه گام برداریم، ابتدا باید موانع موجود بر سر راه استفاده از این فناوری‌ها را برطرف کرده و یا آنها را کاهش دهیم و این تنها از طریق شناسایی متغیرهایی که مرتبط با یادگیری رایانه هستند، امکان‌پذیر خواهد بود.

حال با در نظر گرفتن اینکه، وجود تفاوت‌های فردی یادگیرندگان در ابعاد ذهنی، اجتماعی، عاطفی و آموخته‌های قبلی و سایر عوامل تاثیرگذار و مرتبط با یادگیری غیر قابل تردید است (کدیور، ۱۳۸۳)، آگاهی معلمان و مربیان از سبک‌های یادگیری متفاوت دانشجویان و دانش‌آموزان و وضعیت خودکارآمدی آنان برای کار با رایانه تا حد زیادی می‌تواند راهگشای مربیان

۱. Compeau & Higgins

در امر آموزش باشد و آنها می توانند آگاهانه تر و موثرتر به اتخاذ تصمیمات مناسب در قبل،
حین، و یا بعد از فرایند یاددهی و یادگیری اقدام نمایند و فرایند یادگیری را پویا نگهدارند.
از طرف دیگر آگاهی و توجه دانشجویان به رابطه بین سبک های شناختی خود و میزان اطمینان
و اعتماد آنها به توانایی و خودکارآمدی شان می تواند فرایند و نحوه ی یادگیری شان را ارتقاء
بخشد و آنها را در جهت یادگیری بهتر و موثرتر در مواقع کار با رایانه هدایت نماید.

اهداف تحقیق

هدف کلی

هدف کلی این پژوهش بررسی رابطه بین سبک های شناختی (همگرا، واگرا، جذب کننده، و
انطباق یابنده) با خودکارآمدی رایانه ای در دانشجویان کارشناسی دانشکده روانشناسی و علوم
تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۸ است.

اهداف جزئی

- ۱) بررسی رابطه بین سبک های شناختی همگرا و واگرا با خودکارآمدی رایانه ای
- ۲) بررسی رابطه بین سبک های شناختی انطباق یابنده و جذب کننده با خودکارآمدی رایانه
- ۳) بررسی سبک های شناختی دانشجویان دختر و پسر
- ۴) بررسی رابطه بین جنسیت و خودکارآمدی رایانه ای

فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی

دانشجویان دارای سبک های شناختی مختلف (همگرا، واگرا، انطباق یابنده و جذب کننده)
خودکارآمدی رایانه ای متفاوتی دارند.

فرضیه های فرعی

۱) دانشجویان دارای سبک شناختی همگرا، خودکارآمدی رایانه‌ای بیشتری نسبت به دانشجویان دارای سبک شناختی واگرا دارند.

۲) دانشجویان دارای سبک شناختی جذب کننده، خودکارآمدی رایانه‌ای بیشتری نسبت به دانشجویان دارای سبک شناختی انطباق یابنده دارند.

۳) بین سبک های شناختی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد.

۴) بین جنسیت و خودکارآمدی رایانه‌ای رابطه معناداری وجود دارد.

تعریف واژگان و مفاهیم اختصاصی پژوهش

الف) تعاریف نظری

سبکهای شناختی: باورها، رجحانها و رفتارهایی است که بوسیله افراد بکار میروند تا به یادگیری آنها در یک موقعیت معین کمک کند (سیف، ۱۳۸۶). سبک های شناختی به راههایی اشاره دارد که بدان وسیله یادگیرندگان به گونه ای موثرتر یاد میگیرند (مک کوی^۱، ۱۹۹۲، به نقل از یار محمدی واصل، ۱۳۷۹). یکی از ابعاد مهم سبکهای شناختی سبکهای همگرا، واگرا، جذب کننده و انطباق یابنده است.

سبک همگرا: این سبک شناختی اساساً بر شیوه های یادگیری مفهوم سازی انتزاعی و آزمایشگری فعال متکی است. افراد دارای این سبک در حل مساله، تصمیم گیری و کاربرد عملی ایده ها موفق تر هستند (کلب و همکاران، ۱۹۹۱).

سبک واگرا: این سبک بر شیوه های یادگیری تجربه عینی و مشاهده تاملی تاکید می کند. افراد دارای این سبک توانایی تخیل قوی و آگاهی از ارزشها و معانی را دارند (سیف، ۱۳۸۶).

۱. Maccoy

سبک جذب کننده: این سبک شناختی بر شیوه های یادگیری مفهوم سازی انتزاعی و مشاهده تاملی متکی است. افراد دارای این سبک توانایی بسیاری در خلق الگوهای نظری و جذب مشاهدات ناهمخوان برای ایجاد تبیین های منسجم را دارند (همان منبع).

سبک انطباق یابنده: این سبک بر شیوه های یادگیری تجربه عینی و آزمایش گری فعال تاکید می کند. در این سبک برای افراد انجام کارها و اجرای طرح ها و برنامه ها در اولویت هستند و درگیر تجارب تازه و دست اول می شوند (کلب و همکاران، ۱۹۹۱).

خودکارآمدی رایانه: قضاوت و داوری هایی است که فرد درباره توانایی های خود در کار با رایانه دارد (کامپیو و هیگنز، ۱۹۹۵).

(ب) تعاریف عملیاتی

سبک های شناختی: در این پژوهش منظور از سبک های شناختی نمراتی است که دانشجویان در آزمون مربوط به سبک یادگیری کلب (۱۹۸۵) کسب می کنند.

سبک شناختی واگرا: کسانی هستند که در پرسشنامه سبک یادگیری کلب در دو ربع مختصات شیوه یادگیری تجربه عینی (CE) و مشاهده تاملی (RO) نمره کسب کرده اند.

سبک شناختی همگرا: کسانی هستند که در پرسشنامه سبک یادگیری کلب در دو ربع مختصات شیوه یادگیری آزمایشگری فعال (AE) و مفهوم سازی انتزاعی (AC) نمره کسب کرده اند.

سبک شناختی جذب کننده: کسانی هستند که در پرسشنامه سبک یادگیری کلب در دو ربع مختصات شیوه یادگیری مشاهده تاملی (RO) و مفهوم سازی انتزاعی (AC) نمره کسب کرده اند.

سبک شناختی انطباق یابنده: کسانی هستند که در پرسشنامه سبک یادگیری کلب در دو ربع مختصات شیوه یادگیری تجربه عینی (CE) و آزمایشگری فعال (AE) نمره کسب کرده اند.